

اطلاعات

انتقاد

ذی علی‌حواله کار

جذب بازدیدهای

بادیجکی تخریج چهارم خوشی برداشت

یادان هست و فنی کلکسیون هیئت‌بود

گرمه و آدم زار راه می‌انداختند

بزرگترها برای اینکه شمارا ساکت

کنند چیزی داشتند و زمین و دود و

دوایزه‌ایمیز دید که ای قافلان شدنها

چرا چهارم‌ایزه‌یعنی زدن ماه از روی

احساسات نهایی خلی خوشحالی می‌شوند

ک‌الحمدله‌یلا فیض خوبی خود را مادر آمد

و در دیوار گفت کنک مصلی بوق جان گردند.

این داستان گذشتندی می‌شوندی بیش که

من در دور تا همه‌ی خراب که دن شفرو

راخاندیم ساد آن‌روز های بیکار اقادم

که چهارم‌ایزه‌یعنی امور سوخت شر کت

دو دوازه‌یزه‌یعنی داروی مادر آمد

شهر نور ایتیو مانندندی دروز شنیده

ماه آذد در صفحه ۱۵ اطلاعات بیکار

از طرف کسبه‌یعنی بست دیدم و دستم

که کارهای خوب را خوب خواهد

دارد و آنقدر خوبی خواهد

پیکیست از اهالی کشور را یافتم و

خیل هم‌باشه بوده است لایه‌ی خواهد

باید پنهان: چهارم‌ایزه‌یعنی بست

مقدام ایزه‌یعنی از خواهد شد

شار این تصدق خواهد شد

برای تعیه و یافتم سوخت مردم کشور

بیشینه‌ی های لازم عمل آمد است

کم این کسبه و مازه داران بخش

بست می‌گویند مازه‌ی ایزه‌ی خود فهمید

که اگر آذن‌داشته باشد همانکه شده

خوب است مام از جان دل آنرا می

بدزیر ایزه‌یعنی زبان دکار از آن محل

نیز ماسای ایزه‌یعنی خوب خواهد

کرد: از طرف دیگر کشاورزی

اطلاعات - ایندیواری همانطور

است باشد آن‌هایها بر دیگر جای که

لایه‌ی ایزه‌یعنی مردم باشد همان‌دست

ولی خودگذاشتگان که ایزه‌یعنی

کرد: ایزه‌یعنی آن‌ها چرا ایزه‌یعنی

مکارهای دست‌مشکنک آزمیکنند

نمی‌شند. بل ایلکون سکاره و شر

ومان سر قله دارای ایزه‌یعنی خوب ایزه‌یعنی

و دکارهای حاضر و آماده را زیر و دو

بیکارهای دست‌مشکنک و پیش‌وضعی

تصدر خانه و دکارهای خود را می‌سازید

تصدر خانه و دکارهای خود را می‌سازید

که ایزه‌یعنی ایزه‌یعنی داده شد

موقتاً کاری می‌برند.

جمهی از کارمندان وزارت

کشور - شهرداری دارانی

غش کارهای داده شد که خاصه بست

از آن‌آمد که داده شد ماده شد

هم تاحدی بر این اتفاق خالی دکارهای

برای مرد تجربه کاپ کار تخفیف بیدا

کند، کسمه‌ی چون ایزه‌یعنی

داده‌ی ایزه‌یعنی داده شد

که ایزه‌یعنی ایزه‌یعنی داده شد



اعصاب شما ضعیف است یا قوی؟ با پاسخ باین ده سوال وضع روحی و عصبی خود را تخصیص خواهید داد

حتی المقدور سمات خواب خود را تغیر

می آزادید؟

۱- سعادت بکش خواب را احتسبها

آبازم زحمت از خوشابخواهی در

می آیند؟

۲- وقتی که رای مذاکره مهم با

انجام کار ما اهمیت می خواهد بروید

آیا احساس فراختن میکند و میل

دارید که حتی المقدور را بایم آنرا که

بایارا بقی بیندازید؟

۳- آیا در موقع صرف عذر غالبا

مرابتان اتفاق میافتد که اراده با

کارد و چنگال یا یک تکه نان بازی

کنید؟

۴- وقتی که در کوچه مشقول رکت

هستید و اگر من صدای روز ملائمه

پسندید و بودن کسر کردیم؟

۵- وقتی که شخص شاهجه

در ازدحام نماید و بد که هنگام حضور

آیا لایل می آوردید که می خواهد

او فراموش کرده بودید؟

۶- از معابر پاشا خاص که در

آنها رعنی شناسید و فقط مکی دوبل

دیدم اید آیا فراختن میشود؟

۷- وقتی که یکن خبر خود

را شکایه میکند آیا فراختن میشود

و راحتی از رسیز میاندازد؟

۸- فریده از فریده ای که شاهجه

که در زندگی شاهجه ای هستند

آیا از میادرت پیار کنند؟

۹- آیا از میادرت دیگران را

میشوند ملزوم دویم؟

۱۰- آیا از میادرت پیار کنند که

مسئولیت دارد و بیانات دیگران را

گردند؟ هر سید؟

این روزها موسم کاشتن بوته گل سرخ است



اول آذربایجان و اوایل دیماه هنرها موسم غرس اشجار

مختلط، و نهال های میوه است بلکه برای کاشتن موتهای

کل سرخ نیز هنرها را فرستاد.

زمن را ماندازه ثبت سایتی کرد و خاک را که

برون می آوردید باونه مغایط سازدید. اگر قلمها در حاشیه

بال افعجه میکند میان های هر دو بونه سایتی مصله سگنازید

ما تان باشد که هر کرد، این فصلها بوتهای دیگر (چه

دانه و چه ساله ای نظر کوک، غیره تکلید زیرا شکفتن

هر کلد در کنار گل سرخ از پر و جلوه آن میکند.

اگر هم خواهید در گلستان گل و نه، درز فله میزید

بازم موسمش همیز است.

دیگر اینکه اموش نکنید در این روزها سیمه های داروی

هم رسید که تک جون اکون ضل کل که در گلستان پایان

افتانت است و ماند ساق های آنها را بکار چید و بونه راهم سعلج

زمن کرد.

پرسید.

نکته اسماهی بوجه داشتم: «مینکه

ماده کله اشاده وزن دوی و شده اند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی، شما بایست خواهند

کوشش ده خانم را از آردو شکر

کشند شنیدند که این بایلر فلکه شن و کد

آن دارند.

آنچه بوجه داشتم که این دارند

و از خواهشی بوجه داشتم که این دارند

و آن شیرینی

گفتگو با خوانندگان

هدیه از ساعت ۸ تمام
ما تلقنها شماره ۵۰۰۱۶ - ۵۰۰۱۷

اقتفای و نظریه اصلی
خودنداز ما آقای حسن شفیع

رسیس کتابخانه اطلاعات در
مان سکونتوان

بام است که در بکار آمد

برسر در عالمی بکار نمایند

دیدم که مردم با جمیع حمام از

حوایان و دیگر این اندیشه

است یامل ول همینقدر میدان که

من و همیچیک از دم این شهری

از این نجوم و ایمیشان نمیده ام آبا

قدوس از حمایت حیوانات این است

که مثلاً این اسب لای و نیمه جان را

دوشکه و چشم شک آب باحمل از

ستکن باختصار مددک و پلیرانه

س اضافه هم شلاق سمعی و سمعنک

بجان این زمان ستهایند که کاهی از

ستکنی برای این سخنگل و مطیخان

در سیم هزار و سان و سیصد قله

مرزیم بشود و میانه

دندان و دندان و دندان

در دل بود که ما شما کنیت از آن

سازمانهای زرد که در نشون و کلاد توجه

دهدایم که از این افعون به نیمه مقصود

چندیگری است و آن این است که

اخیر اسکهای و لکر در میکشند و لی

خالی میکنند چطور میکشند نمیدانم

اقای این حیوانات چه میدهند که

ساخته ای هندی از هم توسعه میشود

از مغایر کوچه ها و خانه ها

ست و دیگر میشود و موضع

در دل بود که ما شما کنیت از آن

حلوچشم داده جان ای این میکشند

در میکشند و بیکمدن از این حیوانات را

می منظر دلخواه ای و میکنند؟

بله خبری در روز ام شما خواندم

با در روز نامه دیگر بادم نیست ،

مادر من مضمون که (نا) کنون

۵ فقره

تخلفات در خود دارد و این میگذرد

ناظر خود از جهت شروع دهد که

آن از این افعون به نیمه مقصود

(نا) کنون . ۵ فقره آن کشفه است!

آقای ۵۵ می مصدقه مختلف جیست

هر دن میالیست که از این بیمداد

وی اضافه مرض دارو و شوشا -

می بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و دو

هستند و سکایشان همیشہ در خانه

هست خداوند میگردند که از کنیت

دست و نامه دیگر بند و دیگر

دیگر بند که هم خواهدهای کفره

نکدست که بر اثر عدم تقدیره

با اوضاع بیانه ها داشت که میگران و

